

نگته بازی

تصميم خردمندانه



در شرایطی که طی روزهای گذشته از امیر قلعه‌نویی به‌عنوان اصلی‌ترین نامزد هدایت تیم ملی یاد می‌شد و نام او بین گزیننده‌های رسمی فدراسیون هم به چشم می‌خورد، سرمربی گل‌گیر با انتشار مطلبی از قبول این مسئولیت انصراف داد. قلعه‌نویی گفت در شرایط فعلی ترجیح می‌دهد گزینه تیم ملی نباشد و خودش را کنار کشید. با توجه به علاقه همیشگی امیر برای بازگشت به تیم ملی، به‌نظر می‌رسد اخذ تصمیم اخیر برای او بسیار دشوار بوده، اما باید گفت قلعه‌نویی در این زمینه حرکت خردمندانه‌ای انجام داده است. در شرایط کنونی هیچ نشانه مثبتی وجود ندارد مبنی بر اینکه تیم ملی بتواند دوران موفق داشته باشد. نه فدراسیون درست و حسابی داریم، نه تیم ملی از کیفیت انجمنی بر خوردار است و نه مردم خیلی موافق گزینه ایرانی هستند.

از باشگاه‌ها پیشنهاد ندارد. از تیم ملی چرا!



عجایب اعلام گزینه‌های هدایت تیم ملی از سوی فدراسیون فوتبال آنقدر زیاد است که آدم نمی‌داند از کجای آن باید صحبت کند. گویا از بین نامزدها، نخستین نفری که برنامه‌اش را به فدراسیون داده حسین فرکی بوده است. این مربی ۶۵ساله البته سابقه قهرمانی با فولاد و سپاهان در لیگ برتر را در کارنامه دارد، اما از آن روزها چیزی حدود یک دهه گذشته و روشن نیست که او در شرایط فعلی چه وضعیتی دارد. فرکی در سال‌های پایانی مربیگری‌اش نتایج چندان قابل دفاعی نگرفت و آخرین سمتش در این حرفه، به هدایت پیکان در سال ۹۸ برمی‌گردد. اینکه او در این ۳سال هیچ پیشنهاد مهمی از باشگاه‌های لیگ برتری نداشته، حالا با پیشنهاد فدراسیون برای هدایت تیم ملی مواجه شده، از آن دست داستان‌های جالب فوتبال ایران است!

چرا باید بخزند؟



حسین قربان زاده، رئیس سازمان خصوصی‌سازی که این مدت با کلیدواژه واگذاری پرسپولیس و استقلال حضور بسیار پررنگی در رسانه‌ها داشته، در آخرین موضع خود اعلام کرد یک‌ماه بعد از انتشار آگهی عرضه ۵۱درصد سهام سرخ‌هایی‌ها، هیچ خریداری برای این باشگاه پیدا نشده است! خب البته چیز عجیبی هم نبوده؛ مخصوصا که خریداران همان ۱۰درصد سهام اولیه هم حسابی متضرر شدند. به‌طور کلی پرسش اینجاست که چرا یک نفر باید سهام پرسپولیس یا استقلال را بخرد؟ این باشگاه چه دارند؟ ورزشگاه خانگی استاندارد، هوایمیا اختصاصی، تراز مالی مثبت، درآمد از حق پخش تلویزیونی؟ از هیچ کدام از اینها خبری نیست و عوضش تا دل تان بخواهد طلبکار ریخته بر سر ۲تیم، خب چرا یک نفر در این شرایط اقتصادی باید پولش را صرف خرید این تیم‌ها کند؟

چهره‌روز

سیامک، کیان‌شد

عدم‌وقوع تراژدی یک دهه قبل؛ درسی که یحیی گرفت

تقابل‌های پرسپولیس و سپاهان معمولا آنقدر خردانه و خبرساز است که دل آنها نکت زبادی باقی می‌ماند؛ نکته‌هایی که بعضا تا سال‌ها امکان بازخوانی دارند. در جریان برتری اخیر سرخپوشان در برابر سپاهان اما، اتفاقی رخ داد که باعث پسادآوری یکی از کلاسیک‌ترین حوادث این بازی شد. موضوع به گلزنی سیامک نعمتی مربوط می‌شود. همانطور که می‌دانید این بازیکن از سوی و در زمستان باید از پرسپولیس جدا می‌شد. با این حال سیامک این موضوع را نپذیرفت و تلاش‌های فراوان مدیران باشگاه هم برای راضی کردن او به جایی نرسید. اینکه چرا نعمتی اصرار به ادامه حضور در پرسپولیس داشت روشن نیست؛ برخی از علاقه او به این باشگاه سخن می‌گویند و بعضی هم معتقدند چون نعمتی نمی‌توانست چنین قرارداد درشتی در یک تیم دیگر ببندد، ترجیح داد به کارش در جمع سرخپوشان ادامه بدهد.

هر چه بود سیاست سیامک در این زمینه برای یحیی گل محمدی پذیرفتنی نبود و این مربی به نوعی نعمتی را در لیست سیاه قرار داد. او نه تنها جایی در مسابقات پرسپولیس نداشت، بلکه در مقطعی حتی اجازه پیدا نمی‌کرد در تمرینات گروهی تیمش شرکت کند. نهایتا اما نعمتی این شرایط را تاب آورد تا نوبت به بازی حساس با سپاهان برسد؛ جایی که کمبود مهره باعث شد یحیی بار دیگر فرصت را در اختیار این بازیکن قرار بدهد. او هم به بهترین شکل ممکن از موقعیت مختصر به‌وجود آمده استفاده کرد و گل سوم تیمش را به ثمر رساند. این اتفاق دقیقا برعکس فرجام تلخی بود که سال ۹۲ در جریان بازی حذفی پرسپولیس و سپاهان برای مهدی مهدوی کیا رخ داد؛ جایی که ستاره سرخپوشان در دیدار خداحافظی‌اش از سوی گل محمدی به نیمکت دوخته شد و تنها در دقایقه پایانی از سنسر «رفع تکلیف» به میدان رفت. آن شب پرسپولیس باخت و کیا قربانه با میدان وداع کرد، اما این بار سیامک فرصت بیشتری به دست آورد و کمک کرد تا سرخ‌ها طعم شیرین صعود را بچشند. به‌نظر می‌رسد یحیی از اتفاق تلخ رخ داده در دهه گذشته درس گرفته است.

سردار لحظه‌ها!

بدون تردید آزمون در نهایت با «اعداد» قضاوت خواهد شد

او هنوز زمان دارد تا در این فصل اعداد بهتری برای خودش بسازد

۱۶ تیم برتر یورولیگ رسیده است. به‌نظر می‌رسد که این برد، نقطه عطفی برای این فصل شاگردان آلونسو خواهد بود. زمانی برای رقم خوردن یک تغییر بزرگ در ذهنیت باشگاه، شکی نیست که سردار هم در این تغییر نقش مهمی داشته است. کافی بود او پنالتی‌اش را از دست بدهد تا برای ماه‌ها با انتقاد روبه‌رو شود. ایستادن پشت این ضربه بعد از همه این هفته‌ها و روزهای سخت، شهادت زیادی می‌طلبید و آزمون، این شهادت را داشت.

لور کوزن امروز در پایان این هفته بوندس لیگا با فرایبورگ مسابقه می‌دهد. فرایبورگ یکی از بهترین تیم‌های این فصل بوده و شانس مسلم کسب سهمیه اروپا به شمار می‌رود. به‌نظر می‌رسد آلونسو باز هم از پاتر یک شیک در تر کیب ثابت استفاده کند اما سردار هم شانس خوبی برای حضور در این مسابقه به‌عنوان مهره تعویضی خواهد داشت. این فصل فوتبال باشگاهی آلمان کم‌کم به انتهازدیک می‌شود و آزمون باید هر چه زودتر عدد صفر را از مقابل گل‌های زده‌اش بردارد. همه این لحظه‌ها مهم هستند اما بدون تردید آزمون در نهایت با «اعداد» قضاوت خواهد شد. او هنوز زمان دارد تا در این فصل اعداد بهتری برای خودش بسازد. تطبیق پیدا کردن با تیم و لیگ جدید، برای سردار ساده نبوده اما به‌نظر می‌رسد که او حالا در مسیر درستی قرار دارد. کافی است این ستاره کمی به حرکت در این مسیر سرعت بدهد تا لور کوزنی‌ها بدانند که صاحب چه استعداد بزرگی هستند.

مثل یک شکارچی که برای رسیدن به‌ترین زمان باید به اندازه کافی صبر کند، سردار هم زمان زیادی را گذراند تا بهترین لحظه‌هایش در تر کیب لور کوزن از راه برسند. آزمون در یک هفته گذشته، در ۲مسابقه جناحی و پرماجرا برای لور کوزن حاضر بوده است. او در بوندس لیگا روبه‌روی ماینس، بالاخره در تر کیب اصلی قرار گرفت و همه کار کرد؛ از پنالتی گرفتن برای تیم تا یک پاس گل فداکارانه و به لزره درآوردن تیر دروازه. با همین عملکرد او در بازی بعدی هم به زمین رفت. اگر ژابی آلونسو به این بازیکن اعتقاد نداشت، او را در نفس‌گیر ترین لحظات دیدار با موناکو به زمین نمی‌فرستاد. آزمون پشت نخستین ضربه پنالتی تیمش قرار گرفت و ماموریت بسیار حساسی داشت. او در حالی این کار را انجام داد که بدنش هنوز گرم نشده بود اما انتخاب این بازیکن به‌عنوان پنالتی‌زن اول، احتمالا از درخشش او در این ضربه‌ها در جلسه‌های تمرینی لور کوزن ناشی شده بود. شکست دادن موناکو آن هم چند روز بعد از باختن به ماینس، همه چیز را عوض کرد. حالا هواداران عصبانی این تیم، دوباره لیخنند می‌زنند و تیمی که در شروع فصل حتی نمی‌توانست رقیب دسته پایینی‌اش را در دی اف بی پو کال بيسرد، حالا به جمع



آقای غیرقابل اعتماد

برای دومین بار، کارلوس کی‌روش وسط یک تورنمنت بزرگ با ایران سراغ مذاکره با دیگران رفت

کند. آنچه اما از آقای «غیرقابل اعتماد» باقی ماند، ثبت سنگین‌ترین شکست تاریخ تیم ملی برابر انگلستان بود.

چشم تاج روشن!

اعتراف دستیار کی‌روش در مورد مذاکره کارلوس با قطر‌ی‌ها در دل جام جهانی، از یک منظر دیگر هم قابل توجه است؛ اینکه بار دیگر خوش‌خیالی شگفت‌انگیز مهدی تاج بر همگان اثبات می‌شود. رئیس فدراسیون فوتبال که به شکلی عجیب کی‌روش را در آستانه آغاز جام جهانی روی نیمکت تیم ملی نشاند، آن زمان ادعا می‌کرد قرار است این مربی پر تنغالی تا جام ملت‌های آسیا به کارش ادامه بدهد و مدیرفنی تیم ملی باشد؛ غافل از اینکه نیمکت تیم ما همیشه برای کی‌روش یک گزینه در دسترس بوده که اگر او جایی را پیدا نمی‌کرد، برای گذران وقت و کسب درآمد بر صندلی‌هایش تکیه می‌زد. ممنون از درایت شما علیجناب تاج!

تیم ایران در مهم‌ترین تورنمنت ممکن حضور داشت، سرمربی ۷۰ساله‌اش مشغول جست‌وجوی یک شغل جدید بود!

تکرار داستان جام ملت‌ها

حکایت شگفت‌انگیزی که در قطر رخ داد و حالا از سوی دستیار کی‌روش فاش شد، نخستین رفتار غیر حرفه‌ای کارلوس در قبال فوتبال ایران نبوده است. عین همین اتفاق، حتی با شرایط رسمی‌تر و آشکارتر، در جام ملت‌های آسیا ۱۹۲۰ هم رخ داد. داستان این است که مربی پرتغالی پیش از اعزام تیم ملی به امارات، با فدراسیون فوتبال کلمبیا به توافق نهایی رسیده بود. این یعنی ما در آن بازی‌ها کسی را روی نیمکت تیم‌مان داشتیم که همه می‌دانستند هر اتفاقی رخ بدهد، بعد از مسابقات در این منصب نخواهد ماند. بدهی است که چنین ماجرای، تأثیر مثبت روی بازیکنان ندارد، اما چون پای کی‌روش وسط بود، هیچ‌کس حق انتقاد نداشت. نهایتا هم ما سنگین‌ترین شکست تاریخ‌مان در جام ملت‌ها را در برابر ژاپن پذیرفتیم. کی‌روش به کلمبیا و بعد مصر رفت، سپس به ایران بازگشت تا این بار وسط جام جهانی با مشتتری بعدی‌اش نشست و برخاست کند. چه ساهه بودند آنانی که تصور می‌کردند قرار است کی‌روش برای‌شان معجزه

بهرورز رسانیلی | همه چیز از یک تصویر اغراق آمیز آغاز می‌شود؛ تصویری که در طول یک دهه گذشته از سوی یک عده در داخل کشور ساخته شد و سعی داشت به هواداران فوتبال القا کند کارلوس کی‌روش تعصب ویزه‌ای نسبت به ایران دارد. بارها شنیده شد که می‌گفتند «کارلوس از خیلی از ایرانی‌ها ایرانی‌تر است». این فضای غلوآمیز تا جایی امتداد یافت که در نوبت اول حضور کی‌روش روی نیمکت تیم ملی، بعضی‌ها به‌طور جدی شایعه کردند مربی پرتغالی پس از پایان کارش در این منصب، دیگر هدایت هیچ تیمی را نخواهد پذیرفت و دوست دارد به‌عنوان سرمربی تیم ملی ایران بازنشسته شود؛ در عمل اما دیدیم که اتفاق دیگری رخ داد. بایدینتا نباید انتظار ویژه و متفاوتی از کی‌روش یا هر مربی خارجی دیگری داشته باشیم. عمدتا به‌خاطر پول است که آنها زاده‌گاه خود را رها می‌کنند و برای کار به کشوری دیگر می‌روند، و گرنه عاشق چشم و ابروی ما که نیستند. منتها مشکل از همان تصویر ساخته‌شده از سوی هواداران افراطی کی‌روش آغاز می‌شود؛ تصویری که حالا بیش از هر زمان دیگری در هم شکسته است. به تازگی جناب روجر دی‌سا، دستیار موزامبیک کی‌روش که با فدراسیون فوتبال قطر قرارداد بسته، افشا کرده مذاکرات کارلوس با این کشور، درست از دل مسابقات جام جهانی آغاز شد. این یعنی در روزهایی که

دومین خشم اشکان

دژاگه از تعویضش در برابر الهلال خوشحال نبود؛

شبیه آنچه یک‌بار در تراکتور از او دیده بودیم

هم بسنده نکرد و به‌طور لفظی و زبانی هم از خجالت کادرفنی فولاد درآمد به‌طور کلی دژاگه بازیکن دوست‌داشتنی و خوبی است که کمتر از او حاشیه‌های منفی دیده‌ایم اما گویا این بازیکن به تعویض حساس است و نمی‌تواند راحت با این موضوع کنار بیاید. پیش از این هم‌زمان حضور جان توشاک روی نیمکت تراکتور، شاهد خشم شدید دژاگه از تعویضش در بازی حذفی با صنعت نفت آبادان بودیم؛ عصبانیتی که تا روی نیمکت هم کش آمد و به درگیری لفظی با مربی ولزی انجامید. هر چند توشاک خیلی زودتر از آنکه قرار باشد واکنشی به این اتفاق نشان بدهد، از تراکتور جدا شد و به خانه‌اش برگشت.

اشکان دژاگه یکی از ۱۱ بازیکن اصلی فولاد در مصاف با الهلال عربستان بود و مثل بیشتر بازیکنان این تیم، کمک کرد نماینده ایران نمایشی شایسته و قابل تحسین در مرحله یک‌چهارم نهایی لیگ قهرمانان آسیا داشته باشد. با این حال اتفاق غریب و نامانوس در مورد ستاره سابق تیم ملی زمانی رخ داد که تابلوی تعویض بالا رفت و قرار شد دژاگه جای خودش را به سعید واسعی بدهد. اینجا بود که دوربین روی او رفت و به وضوح روشن شد اشکان از تعویض به هیچ‌وجه راضی نیست؛ او با حرکات بدن، آشکارا نارضایتی‌اش را نشان داد، هر چند به همین مقدار



سوژه‌روز

پس شما چرا آنجا نشستید؟

علی فتح‌الله زاده و تکرار فرمول شماره حساب؛ تنها راهکار مدیران دولتی برای درآمدزایی

خاصیت فوتبال ایران این است که هی دور خودمان می‌چرخیم و هی در دام تکرار مکررات می‌افتیم. اگر اسامی را حذف کنیم و فقط روی روند متمرکز شویم، در خواهید یافت که این خرچ همدم تکرار می‌شود. ساده‌ترین نمونه‌اش این است که مدیران ایرانی در پرداخت پول مربی با بازیکن خارجی خود کوتاهی می‌کنند، طرف می‌رود و شکایت می‌کند، فیفا حکم می‌دهد، مدیران جدید تا لحظه آخر پشت گوش می‌اندازند، ارز گران می‌شود، طلب طرف سر به فلک می‌کشد و بعد آخرین مدیری که دیگر راهی برای پیچاندن موضوع ندارد، با زاری و التماس پول را جور می‌کند و می‌دهد. می‌خواهید هزار تا مثال از این دست بزنید؟ برانکو همینطور بود، کالدرون همینطور بود، شفر همینطور بود، گابریل بین همینطور است، رادوشوویچ همینطور است، و یلموتس همینطور است و...

حالا هم داستان استر اماچونی پیش آمده است. کار دقیقا به همان شکل کش پیدا کرده و علی فتح‌الله زاده از ضرورت فراهم‌شدن چیزی حدود ۱۰۰میلیارد تومان تا شنب عید خبر داده، و گرنه ۶۰۰میلیارد باشگاه با مجازات روبه‌رو شود. از قضا حاجی هم دست به یک فرمول تکراری دیگر زده و گفته برای فراهم کردن این پول، شماره حساب اعلام خواهد کرد تا هواداران کمک‌های مالی‌شان را ارایز کنند؛ بدون تردید، این ابتدایی‌ترین راه برای کسب درآمد است که به نوعی توهین به شعور افکار عمومی تلقی می‌شود. حالا کاری نداریم در آخرین تجارب استفاده از ایسن راهکار، پول چندان جمع نشده و مخصوصا امروز با توجه به انبوه مشکلات اقتصادی، مردم کمتر هم مساعدت خواهند کرد. پرسش کلیدی شاید این باشد که اگر قرار است مردم پول روی هم بگذارند و خرج باشگاه را بدهند، پس امثال علی فتح‌الله زاده چرا روی کرسی مدیریت تکیه زده‌اند؟ مگر هنر آنها نباید خلق ثروت با ایده‌های مدرن و کارآمد باشد؟ دست دراز کردن جلوی مردم را که همه بلد هستند...



رتبه	تیم	بازی‌ها	برد	مساوی	باخت	گل-+/-	تفاضل گل	امتیاز
۱	سپاهان	۲۰	۱۲	۲	۶	۱۲-۳۱	۱۹	۴۲
۲	پرسپولیس	۲۰	۱۱	۶	۳	۹-۲۳	۱۴	۳۹
۳	استقلال	۲۰	۱۱	۶	۳	۱۵-۲۸	۱۳	۳۹
۴	گل‌گهر	۲۰	۹	۷	۴	۲۲-۲۸	۶	۳۴
۵	تراکتور	۲۰	۶	۶	۸	۱۹-۲۴	۵	۳۳
۶	آرمنی‌نیوم	۲۰	۷	۸	۵	۴-۱۴	۵	۲۹
۷	مس رفسنجان	۲۰	۵	۱۳	۲	۹-۱۵	۶	۲۸
۸	هوادار	۲۰	۶	۷	۷	۱۶-۱۴	-۲	۲۵
۹	فولاد	۲۰	۵	۹	۶	۱۷-۱۶	-۱	۲۴
۱۰	نساجی	۲۰	۵	۷	۸	۲۶-۲۱	-۵	۲۲
۱۱	ملوان	۲۰	۵	۷	۸	۲۱-۱۵	-۶	۲۲
۱۲	پیکان	۲۰	۴	۷	۹	۲۱-۹	-۷	۲۱
۱۳	ذوب‌آهن	۲۰	۳	۱۱	۶	۱۷-۱۶	-۱	۲۰
۱۴	مس کرمان	۲۰	۴	۶	۱۰	۲۲-۱۶	-۶	۱۸
۱۵	صنعت نفت	۲۰	۲	۶	۱۲	۲۴-۱۱	-۱۳	۱۲
۱۶	نفت مسجد سلیمان	۲۰	۲	۶	۱۲	۴۰-۱۳	-۲۷	۱۲

لیگ برتر ایران (جام خلیج فارس)